

دکتر حمیدرضا صفاکیش

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

H.safakish@gmail.com

آیین سوگواری در روزگار صفوی با توجه به سفرنامه های سیاحان

چکیده:

آیین سوگواری در ایران مربوط به مسلمانانی است که پس از رحلت پیامبر (ص) خلافت را حق علی (ع) و اولادشان می دانستند.

صفویان که با اتکا به مذهب شیعه در ایران به قدرت رسیدند مهمترین عامل تالیف قلوب مردم را زنده نگه داشتن مراسم سوگ و عزاداری بر امام حسین (ع) می دانستند. آیین سوگواری از حرکت های فرهنگی ایرانیان برای حفظ قداست ارزش های والای انسانی است که اجرای آن در جامعه نمایانگر رفتار ظالم از یک سو و حرکت مظلوم از سوی دیگر است، یعنی همان مصاف تاریخی بین حق و باطل که حق را پیروز می داند.

مصیبت کشته شدن حسین بن علی و یارانش در روز عاشورا زمینه ایجاد یک واقعیت دردناک منظم برای دنیای اسلام بوده است. مقاله حاضر به آیین سوگواری در ایران عصر صفوی با توجه به گزارش سیاحان اروپایی می پردازد.

کلیدواژه ها:

امام حسین (ع)، شیعه، عاشورا، صفویان، سیاحان اروپایی، عزاداری.

مقدمه:

یکی از مهم‌ترین مسایل مطرح در بین مردم در این دوره سوگواری بر ائمه اطهار(ع) و به خصوص حضرت اباعبدالله‌الحسین (ع) است. بدین شکل که پس از ورود اسلام به ایران در کمتر از یک نسل ایرانیان دچار شرایط و وضعیت تازه‌ای شدند. اسلامی که توسط امویان و جانشینان آنها یعنی عباسیان ترویج می‌شد، اسلامی بود که مایه‌های اصیل دین و قرآن در آن وجود نداشت، ظاهری برای فریب دادن مردم بود. کسانی که با غضب حکومت، خودشان را به عنوان وارث و خلیفه و جانشین پیامبر می‌دانستند بر عرب بودن خود فخر ورزیده در زنده کردن افکار جاهلی قبل از اسلام اصرار داشتند.

به همین خاطر ایرانیان را به جرم ارادت به علویان موالی عرب یعنی بندگان عرب نام گذارده و به آنان به دیده تحقیر می‌نگریستند. البته به همین بسنده نمی‌کردند، ظلم و اجحاف به ایرانی ادامه داشت تا عرصه به آنان به قدری تنگ شد که ناگزیر به دنبال راهکار برای مبارزه برآمدند.

نهضت‌هایی از قرون دوم و سوم هجری به وقوع پیوست که توسط مخالفان دستگاه مرکزی رهبری می‌شد که این‌ها غالباً یا ایرانی بودند یا توسط ایرانیان حمایت می‌شدند. از آن جمله می‌توان از مردم فارس یاد کرد که همواره دنبال فرصتی بودند تا بتوانند با کنار زدن حاکمان عرب، دین خود را به اسلام و قرآن ادا کنند. دلایل این مخالفت و ابراز وجود، موضوع غضب خلافت توسط افرادی غیر از خاندان پیامبر(ص) بود. و ایرانیان برای وصول به این حق مسلم که ستمی بود بر پیامبر و خاندان او، مصر بودند.

فرهنگ ایرانی، فرهنگ خاص و ناب است. شاید هیچ مملکتی به اندازه ایران مورد تهاجم‌های سنگین خارجی واقع نشده است. همان حملاتی که می‌توانست ارکان سلطنت‌های بزرگ و ریشه‌دار را متلاشی کند و حاکمیت بیگانه را مستولی سازد. اما

فرهنگ ایرانی هیچ‌گاه مغلوب نبوده و در فرهنگ مهاجم حل نشده است بلکه قوم مهاجم را مغلوب خود نموده است.

نه یونانیان صاحب تفکر توانستند فرهنگ هلنی را در ایران جایگزین کنند و نه رومیان و نه مغولان.

این رفتار در مورد اعراب و اسلام نیز به وقوع پیوست به طوری که تمدن عظیم اسلامی بیشتر تمدن ایرانی است تا عربی. علاوه بر این نکته برای مقبولیت بیشتر اسلام در ایران آن‌ها به سمتی پیش رفتند که به فرهنگ خود بیشتر شباهت داشت و شاید بیشتر به خاطر تاسی ایرانیان به علویان و توجه آنان به مردم ایران بوده است.

دلایل پذیرش فرهنگ شیعه بین ایرانیان:

شیعه نام عمومی گروه‌ها و نهضت‌هایی بود که پس از رحلت پیامبر (ص) خلافت را حق امام علی (ع) و اولاد ایشان می‌دانستند. یعنی تداوم جانشینی پیامبر (ص) و حاکمیت در خاندان حضرت علی (ع) و به خصوص فرزندان حضرت فاطمه (س) و امام حسین (ع).^۱ علاوه بر این در فرهنگ شیعه جنبه‌های مهمی وجود داشت که آن را در مقابل تسنن برای ایرانیان پذیرفتنی می‌کرد که عمده این نکات چنین است:

1- تشیع، خلافت را حق نوادگان پیامبر (ص) و فرزندان امام علی (ع) می‌دانست. این نکته در میان ایرانیان به نوعی شیوه حکومتی تعبیر می‌شد که در فلات ایران شناخته شده بود. یعنی وراثت اصل مهم جانشینی بود.^۲

2- ایرانیان برای پادشاه و حاکم چیزی را قائل بودند به نام فره ایزدی. این فره که نور سلطنت نیز بود از طرف اهورامزدا به پادشاه تفویض می‌شد و از آنجا که پیامبر با منبع وحی و خداوند متصل بود به طور طبیعی فره دریافت می‌نمود و این نور به خاندانش منتقل می‌شد.^۳

3- یکی از نزدیک‌ترین یاران پیامبر و از شیعیان نخستین سلمان فارسی ایرانی- الاصل بود که مورد احترام شیعیان قرار داشت و پیامبر به او لطف و ارادت خاص داشت. او در تقوی و علم چنان شهره بود که صوفیه او را از جمله سرسلسله های خود به حساب می‌آوردند.^۴

4- حضرت علی (ع) با فروش دختران والا مقام و خانواده‌دار ایرانی مخالفت کرده بود و به همین خاطر به جهت تکریم، ایشان را به عقد بزرگان عرب در آورده بودند و همین مسأله نیز موجب توجه مردم ایران به اسلام و علاقه و ارادت بیشتر به خاندان علی (ع) بود.^۵

5- یکی از نهضت‌هایی که موفق شده انتقام خون شهدای کربلا را بگیرد، نهضت توابین؟ است که توسط مختار انجام شد و موالی همان ایرانیان در پیش بردن آن بسیار موثر بودند.

6- نکته آخر اینکه امام علی ابن موسی الرضا(ع) امام هشتم در ایران زندگی کرده و در ایران وفات یافته و این که حیات و ممات ایشان در ایران بوده بسیار برای ایرانیان ارزشمند و مهم است.^۶

جمع این نکات علاوه بر روح ضد خلافت شیعه آن را برای ایرانیان مورد قبول‌تر کرده بود.

آیین سوگواری حرکتی ملی و فرهنگی:

برگزاری سوگواری بین مردم یکی از حرکات فرهنگی و ملی بوده برای نگه داشتن یادبود و خاطره شهادت مظلومانه امام حسین (ع) در کربلا و یادآوری روح مبارزه بین شیعیان و خلفا در قرون دوم و سوم و چهارم هجری که برای اولین بار به صورت رسمی توسط یکی از حاکمیت های ایرانی شیعی یعنی «آل بویه» صورت گرفته است.^۷ برخی دیگر از مورخین با استناد به گزارشهایی، از عزاداری و سوگواری امام حسین (ع) در روزگار امویان خبر می دهند.^۸

اینکه آیا عزاداری از همین زمان ریشه گرفته یا نه جای بحث دیگری است. تنها این نکته قابل ذکر است که در زمان معزالدوله آیین عزاداری برپا می شده است.⁹

معزالدوله احمد بن بویه در سال 352 - امر کرد مراسم عزاداری در دهه اول محرم و عاشورا به صورت علنی برگزار شود پس تمامی بازارهای بغداد بسته و لباس سیاه و عزا پوشیدند. چون این قاعده در بغداد رسم نبود، علمای اهل سنت آن را بدعتی بزرگ دانستند، ولی چون بر معزالدوله دستی نداشتند چاره جز تسلیم نتوانستند بعد از آن هرسال تا انقراض دولت دیلمیان شیعه ده روز اول محرم در جمیع بلاد رسم تعزیه و سوگواری به جای می آوردند.¹⁰

تعزیه و سوگواری چیست و چه ویژگی های خاصی دارد که توانست به عنوان ابزار کاربردی مورد استفاده ایرانیان قرار گیرد؟

تعزیه معانی و مفاهیم گوناگونی دارد. در لغت به معنی سوگواری، برپا داشتن یادبود، تسلیت، امر کردن به صبر می باشد ولی در اصطلاح به گونه ای نمایش گفته می شود که عده ای اهل ذوق و کار آشنا به مناسبت های مذهبی به امید بهره مندی از شفاعت اولیای خدا و برای نشان دادن ارادت و اخلاص فزون از اندازه به ایشان به ویژه اهل بیت پیامبر را پیش چشم بینندگان باز می آفرینند.¹¹ همدردی با مصیبت دیدگان و تسلی دادن به بازماندگان نیز از جمله معانی و مفاهیم کلی و عام این کلمه است.¹² در تاریخ کمبریج جلد هفتم نیز آمده است:

«تراژدی کشتن حسین بن علی و یارانش در صحرای کربلا زمینه ایجاد یک نمایش دراماتیک منظوم برای دنیای اسلام بوده است. گروهی از محققین ریشه های سوگواری را مربوط به دوران کهن تری از واقعه کربلا می دانند. این گروه، این آیین را مانند آیین های دیگری از این دست که ریشه اصلی آن همان آیین مگوپتیا یا مغ کشی دوره پیش از اسلام است، می دانند».¹³

پیش از اسلام آیینی وجود داشته است که آن را سیاوش خوانی می نامیدند.¹⁴ این آیین که هنوز در منطقه فارس در جاهایی رواج دارد مراسم سنتی مذهبی سوگواری بر سیاوش پسر کیکاوس کیانی است. مکر سودابه همسر کاووس او را از ایران به توران کشاند و در آنجا به دست افراسیاب در عین پاکی و راستی کشته شد و سرش را از تن جدا کردند.¹⁵ سیاوش در اساطیر و باورهای ایرانی یک نیمه ایزد- نیمه انسان بوده که مظهر پاکی و صداقت است. او از آتش و آب و جان می گذرد تا صداقت پایدار بماند و حقیقت بر دروغ چیره شود.¹⁶

در میان اساطیر مذهبی او جزو ایزدان زمین و خدایان شهید شونده چون ایزیس مصری می باشد که مرگ و زایشش چون فصول سال است و جای خون او گیاه می روید.¹⁷

در باورهای زردتشتی سیاوش از برگزیدگان است. او به وجود آورنده یکی از خواص و یاران سوشیناس در عهد زردتشتیان یعنی کیخسرو است. آیین سیاوش خوانی به صورت تعزیه اجرا می شد. گاهی این آیین برای برکت زمین انجام می شد.

«مردمان بخارا را در کشتن سیاوش نوحه هاست چنانچه در همه ولایات معروف است مطربان آن را سرود ساختند و توالان آن را گریستن مغان خوانند این سخن زیادت بر سه هزار سالست».¹⁸ سیاوش و امام هر دو به شهادت می رسند، سیاوش شهید بزرگ افسانه ایران است و امام حسین(ع) در میان شیعیان سید الشهداء.¹⁹ یک سری نقاشی های دیواری که در سغد پیدا شده که به آیین سیاوش خوانی شبیه است. شباهت های بسیاری میان این آیین و واقعه کربلا وجود داشت یکی از عوامل به وجود آورنده عزاداری بود. مهم ترین این نکات آن بود که هم سیاوش و هم امام حسین از خواص بودند و هر دو در کنار آب شهید شدند یکی کنار جیحون و دیگری

کنار فرات و هر دو در مقابل دروغ ایستادند.²⁰ واقعه کربلا از حوادث تعیین کننده در جریان تکوین شیعه در تاریخ است.²¹

در هر صورت آیین سوگواری چنان که گفته شد در دوره آل بویه شروع به فعالیت می نمود و با سقوط این حاکمیت به مدت چند قرن جنبه مخفی پیدا می کرد تا به زمان صفویه می رسید که زمان بالندگی و شکوفایی آیین و تثبیت تشیع در ایران است.²² در مورد صفویه و این که از کجا برخاسته اند و چگونه به قدرت رسیده اند بسیار سخن رفته است. گفته شده که آنها تبار خود را از یک سو به خاندان پیامبر و از سوی دیگر خود را ایرانی الاصل می دانستند.²³

قدرت شاهان صفوی بر سه پایه استوار بود:

اول نظر حق الهی پادشاهان ایرانی بود و این حق بر این اساس مبتنی بود که این پادشاهان از «فر ایزدی» برخوردارند. این نظریه باستانی که متعلق به دوران قبل از اسلام بود با تمام شکوه قبلی اش به کار گرفته شد و در هیئت جدید آن که فرمانروا «سایه خدا روی زمین» (ظل الله فی الارض) است مجددا ظاهر شد. دوم ادعای شاهان صفوی مبنی بود بر اینکه نماینده حضرت مهدی (عج) بر روی زمین هستند که دوازدهمین و آخرین امام شیعیان اثنی عشری است که در سال 255 هجری قمری غایب شد و بازگشت وی پیام آور روز داوری است. سوم مقام پادشاهان صفوی به عنوان مرشد کامل و پیروان طریقت صوفیه است که به نام صفویه شناخته شده است.²⁴ شاه اسماعیل با قرارداد تشیع به عنوان مذهب رسمی ایران آن را از قالب حاکمیت یک نهضت فکری به یک مذهب حکومتی تبدیل کرد و فکر ترویج و تعمیم مذهب شیعه امامی در ایران صرفا پرورده ذهن این پادشاه جوان بوده است.²⁵

او قصد داشت به وسیله یکسان کردن مذهب به یکپارچگی برسد که در این کار توفیق یافت، صفویان نخستین حاکمیت ملی بعد از اسلام در ایران بودند که مرزهای عصر ساسانی را احیا کردند و ایران برای نخستین بار در این مدت دارای یک شاه و

یک مذهب گشت. علاوه بر آن اسماعیل با اعلام تشیع در ایران به عنوان مذهب رسمی دولت صفوی به تشویق و ترغیب و علنی سازی سوگواری شیعی پرداخت تا ارزش و کارآمدی دولت خود را هر چه بیشتر ارتقاء دهد.²⁶

صفویه برای مقابله با دشمنان فکری خود شروع به احیای آیین های شیعی نمود که تضاد میان این دو فرقه را بیشتر می کرد. سوگواری و تعزیه از این دست آیین ها بودند. استفاده ابزاری از این آیین ها امکانی بوده است برای تهییج شیعیان به حق خواهی خون امام حسین (ع) در برابر ستمگران و زورگویان. واقعه کربلا یک نهضت مقدس مذهبی و یک حرکت سیاسی از نوع انقلابی آن، پایدارترین واقعه در فرهنگ سیاسی شیعه است.²⁷ از نوشته های سیاحان و شرح مشاهدات آنان از مراسم عزاداری و سوگواری بر امام حسین (ع) این نکات به خوبی بر می آید.

سفرنامه ها:

با شکل گیری رنسانس اروپاییان میل زیادی به پیشرفت پیدا کردند. آنها برای یافتن نکات تازه راه شرق در پیش گرفتند. غریزه سودجویی، سودای تحقیق و دست یافتن به دانش نوین، خوابانیدن آتش کنجکاو، میل بازاریابی و پراکندن آراء و عقائد دینی به عشق پاداش آن جهانی همه از انگیزه هایی است که بازرگانان، دانش پژوهان، جهانگردان و مبلغان عیسوی را از قدیمی ترین زمانها و از دور افتاده ترین نقاط مغرب زمین به ایران کشانیده است.²⁸

این افراد در قالب سفیر، جهانگرد، بازرگان، مبلغ دینی و مذهبی به ایران آمدند و با تجسس و مطالعه در جوامع شرقی توانستند با جنبه های مختلف مردم این دیار آشنا شوند. و اغلب شرح دیده های خود را در قالب سفرنامه ها و سیاحت نامه ها نگاشتند که دارای محاسن زیادی نسبت به آثار نوشته شده فارسی هستند.

از محاسن این منابع به خصوص در دوره صفویه، افشاریه و زندیه آن است که نویسندگان آزادی ابراز مطالب خود را داشته و به عکس منابع فارسی که بیشتر شرح زندگی سلاطین می باشد، به شرح زندگی مردم عادی نیز پرداخته است. عمده این سفرنامه ها توسط اتباع کشورهای اروپایی چون اسپانیا، پرتغال، فرانسه و انگلیس است و آنها که در موضوعات مختلف و به مقاصد مختلفی به ایران آمدند را می توان به ترتیب اهمیت دسته بندی نمود:

الف) سیاسی

دردوره صفویه کشورهای اروپایی شروع به اعزام سفیر به دربار ایران نمودند، بخشی از اهداف این فرستادگان در این قالب بود که با کمک ایرانیان، به مقابله با عثمانیان پردازند. که این مهم در آینده هیچ وقت تحقق نیافت اما نمایندگان سیاسی در این دوره به ایران وارد شدند و شرح مشاهدات خود را به صورت سفرنامه در آوردند.

– دون گارسیا دسیلوا فیگوئروا D.G.S.Figuera

وی سفیر دولت اسپانیا در ایران بود که در سال (1614 م / 1023 ق) از طرف پادشاه اسپانیا به ایران آمد. هدف وی گرفتن انحصار تجارت خارجی ابریشم و باز پس گیری بحرین بود. او طی سه سال به ایران رسید و سفرنامه خود را که نامش «شرح سفر دون گارسیا دسیلوا فیگوئروا سفیر اعلیحضرت پادشاه فیلیپ سوم نزد شاه عباس پادشاه ایران» بود را در سال 1667 منتشر کرد. سیاحت نامه او بیشتر یک سفرنامه سیاسی است تا سیاحت نامه، اما وی بنا بر ضرورت به شرح و توصیف مکان هایی که از آنجا گذشته است و نیز به آداب سنت ها پرداخته است. سفرنامه او از نظر روشن سازی بعضی نکات مبهم این دوره قابل اعتنا است.²⁹ در زمستان (1619 م / 1028 ق) شاهد عزاداری ایرانیان برای امام حسین بود. او در این زمان در اصفهان منزلی نزدیک مسجد بزرگ شهر داشت و به راحتی می توانست شاهد مراسم عاشورا باشد:

«... در این ایام مقدس ده تا دوازده روز در همه مساجد و بازارها و دیگر اماکن عمومی مراسم عزاداری برپا می شد. زن و مرد و پیر و جوان در آن شرکت می کردند».³⁰

وی در ادامه می گوید:

«در آخرین روزهای عزاداری همه مردم خرده پای شهر در حالی که پرهایی به عمامه زده اند با طبل و سنج و سلاح هایی در دست گرد می آیند دسته دسته در محله ها و میدان های عمومی شهر حرکت می کنند. در این گونه روزها اتفاق می افتد اجتماع کنندگان با هم برخورد کنند».³¹

آنچه از نوشته های سفیر بر می آید این است که او متوجه نمایشی بودن این آیین نبوده است. نکته جالب اشاره وی به اجرای آهنگ و اشعار موزون است که از اجزای عزاداری بر امام حسین (ع) است.

(ب) تجاری

گروه دوم سیاحان و جهان گردانی بودند که به عنوان تجارت به ایران آمدند. از دیرباز بخش مهمی از نیازهای اقتصادی اروپا از بازارهای شرق تامین می شد و این مکان ها مرکز رفت و آمد تجار غربی بوده است.

راه ابریشم که چین را به اروپا وصل می کرد مهم ترین راه اقتصادی دنیای قدیم میان اروپا و آسیا بود و پیش از کشف راه آبی تنها راه به شمار می رفت. اما با فتح قسطنطنیه توسط سلطان محمد فاتح مسدود شد. بازرگانان به دنبال راه های جدید از روسیه به ایران آمدند. در عصر صفویه راه قفقاز به ایران راه رسیدن به آسیا به شمار می رفت.

تاجران این دوران نه تنها اهداف اقتصادی داشتند بلکه به مظاهر فرهنگی نیز توجه می کردند و پایه های ایران شناسی و سپس شرق شناسی را نهادند تا با یافتن جنبه های مخفی زندگی شرقی راه های تجارت بهتر را بهتر بیابند.

سیاحان از این گروه بسیارند. از آن جمله: کاتف روسی، شوالیه شاردن و تاورنیه

- فدت افاناسیویچ کاتف Katef. Fedet Afanasyvic

تاجری روسی بود که در سال (1623 م / 1032 ق) به ایران آمد. علاوه بر تجارت از مقربان دربار تزار بود.

سفرنامه وی شرحی از دیده هایش در طی سفر به ایران است. نظریات وی در مورد اقوام مختلف، بیلاق، قشلاق و نمایش های خیابانی و آداب و رسوم عزاداری بسیار جالب است. نخستین سفر او به ایران بین سال های (1631 تا 1633 م / 1041 تا 1043 ق) بوده است. سفرنامه وی حاوی اطلاعات و شرح دیده های او از ایران است و به نوعی تاریخ اجتماعی ایران در دوره صفویه می باشد. او در سفرنامه خویش راجع به سوگواری در اصفهان اینگونه می گوید:

در مراسم سوگواری و تعزیه، تابوت های مخمل دار در جلوی شترهایی که روی آنها بچه های لخت را طوری نشانده اند که صورتشان به طرف دم شتر است حمل می کنند و بچه ها فریاد می زنند: حسین، حسین! پیشاپیش تابوت ها چوب های بزرگی را حمل می کنند و نیز به همراه اسبان آنها دو طفل لخت که بدن و سر و صورت خود را به خون آلوده اند سوار بر اسب در حرکت اند. روی اسب دیگری مرد لختی که خود را به پوست گوسفند خاکستری پیچانده است به آرامی با اسب حرکت می کند. منظور از بچه های خونین، همان کودکان بی گناه [امام] حسین (ع) است که شهید شده اند.³²

- شوالیه شاردن J.charden

یکی از معروف ترین سفرنامه های اروپایی که در مورد ایران است نوشته شاردن فرانسوی است. او در سال (1665م / 1076ق) به ایران آمد. و با اعتقادات مسیحی رشد نمو یافته با اصول و آداب و رسوم اسلام نیز به خوبی آشنا گردید.³³

سفرنامه شاردن به نوعی دایره المعارف ایران است، چرا که او علاوه بر شرح آیین-های ایرانی و رسوم درباری به شرح علوم و هنرها و آشنایی با حیوانات و گیاهان پرداخته است. سفرنامه وی مشاهدات او از مجالس عزاداری امام حسین (ع) نیز است. و به شرح آنچه در محرم ماه دیده است می پردازد.

شاردن هموطن تاورینه در وصف نظم دسته جات عزاداری و سوگواری توجه و وصف دقیق تری را اعمال کرده است وصف این دسته جات را از زبان او می خوانیم:
در جلوی هر دسته بیست علم، بیرق، هلالی، پنجه های فلزی مزین به نقوش رمزی کنده کاری شده از محمد(ص) و علی (ع) سوار بر دسته های نیزه ای مانند حرکت می کردند.

این وسایل برای مسلمانان نهادهای مقدسی بود از غزوات صدر اسلام که به همانگونه که رومیان در جنگ ها شبیه ساخته شده عقاب ها را با خود حمل می کردند. علم ها هنگامی که به همراه دسته ها بیرون آورده می شوند از پارچه های سبز کمرنگ پوشیده شده اند چنان که شاید بخواهند بگویند که در حال حاضر بیم جنگ و درگیری در میان نیست.

پس از این ها چند اسب تربیت شده زیبا مجهز به جوش و سلاح های بسیارگران قیمت حرکت می کنند که انواع سلاح های سرد و گرم نیز از زین و جوش آنها آویزانند. این سلاح ها که از فولاد ساخته شده اند به همراه دیگر اسباب و لوازم طلا کاری شده با سنگ های قیمتی زینت یافته اند متعاقب آن ها نوازندگان و بدنبال آنها مردانی هستند که سنگ پرتاب می کنند و چهره بعضی از آنها را سیاه و بعضی دیگر را خون آلود کرده اند. سپس افرادی حرکت می کنند که سرتاپایشان خون آلود است و چنین می نماید که به ضرب تیر و نیزه های بسیار مجروح گشته اند.

بعد از آنها ارابه ها و اسباب و لوازم طلا کاری شده با سنگ های قیمتی زینت یافته اند. متعاقب آنها نوازندگان و افرادی حرکت می کنند که سرتاپایشان خون آلود است و چنین می نمایند که به ضرب تیر و نیزه های بسیار مجروح گشته اند بعد از آنها ارابه ها

و اسباب و لوازمی که گویی برای تشیع جنازه مهیا شده‌اند می آیند کجاوه‌ها پشت سر آنها صف کشیده‌اند. این کجاوه‌ها با چادرهای سبز کم‌رنگ پوشیده گشته‌اند تمام این تزئین‌ها که به واسطه طلا و نقره آراسته شده است به خرج و زیر نظر دقیق همه مردم فراهم می‌آید. در میان دیگر چیزها عکس‌هایی از مقابر متبرکه که به چشم می‌خورد و مردی را نیز می‌بینیم که ملبس به جامه خونین غرق در تیر و سرو صورتش آغشته به خون تداعیگر امام و شهیدان کربلاست.

در اطراف این مراسم مردمی هستند که برای محفوظ ماندن از گرمای آفتاب شاخه درخت‌هایی را با خود حمل می‌کنند پس از آن عبور دسته‌ی مزبور مردانی می‌آیند که آنها نیز نمونه‌هایی هستند از سلحشوران و رزمندگان کربلا این‌ها نیز غرق در خون بر اسب‌های خاک‌آلود و گل‌مان شده سوار هستند. پشت سر آنها انبوهی به طور نامنظم یا دسته‌های راه‌پیمایی می‌کنند که شمارشان به دویست یا سیصد می‌رسد و فریاد مهیب یا حسین‌شان بلند است و مثل نشئه‌های به وجد آمده به اطراف می‌دوند و دوباره به جای اولشان بازمی‌گردند به جهت آن‌که پیوسته با تمام توان نام امامان را فریاد می‌زنند اغلب کنترل‌شان را از دست می‌دهند.³⁴

- تاورنیه، ژان باپتیست Jean-Baptiste Tavernier

سیاحی فرانسوی بود که روی هم رفته نه بار از ایران دیدن کرد او در آنچه دیده یا شنیده بود دقت کافی داشت و اطلاعات ارزشمندی در باب مسائل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی ارائه داد.

تاورنیه در ایران به لباس ایرانی در آمده بود و عمامه بر سر نهاده شاهد مراسم سوگواری و تعزیه بوده است.

پس از شروع اختلافات بین ایران و عثمانی و آشنایی با امامان شیعی به شرح تشریفات مذهبی در عاشورا پرداخته:

«من شرح تشریفات آن روز را مطابق با آنچه خود به رای العین در سیم

ژوئیه (1667م/1078ق) مشاهده کرده ام می نویسم».

او در ادامه شرح می دهد که آن روز در دربار حضور داشته و دسته های عزاداری را دیده است که در یکی از این گروه ها دو طفل بودند که گمان برده شبیه فرزندان امام حسین (ع) است که به دست یزید کشته شدند.³⁵ اما چیزی که او شاهد بوده شکل ابتدای تعزیه دو طفلان مسلم بوده است. وی در ادامه به شرح مجلس و عظ پرداخته که به شرح مصائب امام حسین (ع) و اهل بیت اوست با توصیف که آن روز تا ظهر طول کشیده است.³⁶

ج) سیاحتی، علمی

دسته سوم سفرنامه ها سیاحت نام های سیاحان و ماجراجویان و افرادی است که برای آموختن علوم به شرق مسافرت کردند.

سیاحانی از این دست تحت تاثیر رنسانس (به عنوان یک پدیده مهم تاریخی) مطالعه و تأمل درخصوص ملیت ها و شیوه های زندگی، آداب و رسوم، اعتقادات، طبقات اجتماعی نظام حکومتی پرداخته و دستاوردهای مادی و معنوی مشرق زمین را بیشتر به اروپاییان شناساندند.

گروهی از این افراد زبان های شرقی را به خوبی آموختند و مقدمات شرق شناسی و ایران شناسی را نهادند. از این افراد می توان از آدام اولنارئوس، پیترو دلاواله و انگلبرت کمپفر نام برد.

آنچه از لابلائی گفته ها و وصف سفرنامه ها بر می آید نظم و نسقی است که دسته جات عزاداری در این دوره داشته اند کوشش برای مایه ور ساختن این دسته جات بر عهده ی ماموران دولت بوده است که علاوه بر کمک بر نظم و انتظام آنها برای جلوگیری از درگیری و اغتشاش نهایت تلاش خود را داشته اند.

- پیتر و دلاواله Pietro Della Valle

یکی دیگر از سیاحان که در این مرحله به ایران آمد دلاواله ایتالیایی است که تحصیلات خود را در رشته حقوق و ادبیات به انجام رسانیده و طی مسافرت به شرق بغداد با دختری به نام معانی ازدواج نمود. در سال (1617م / 1026ق) از طریق قصرشیرین وارد ایران می شود. وی از دیدار ایران خاطرات فراوانی دارد و جزء درباریان شاه عباس به شمار می رفته است. سفرنامه او آکنده از مطالب نو درباره جامعه ایران و مسائل دربار صفوی است.³⁷

شهرت سفرنامه دلاواله در این است که او به جغرافیا، باستان شناسی، گیاه شناسی، اشراف داشت و زبان های گوناگونی را آموخته بود و شرح مفصل او از تخت جمشید حاوی نکات جالب و قابل توجهی است. از جمله نکات مهم این است که علی رغم عدم درک نوشته های کتیبه های هخامنشی از آنها یادداشت‌هایی برداشته و این نکته را فهمیده که خطوط از چپ به راست نوشته می شده است. سفرنامه وی ابتدا در ایتالیا چاپ شده و سپس به زبان‌های گوناگون ترجمه گشته است.

گونه بارها خود را در شناخت مشرق مدیون او می داند.

او در شرح روزهای محرم می گوید که مردم بدن خود را به رنگ قرمز درآورده و آهنگ های غم انگیزی خوانند:

«دو قطعه چوب با استخوان را که در دست دارند به یکدیگر می کوبند و از آن صدای حزن انگیزی به وجود می آورند. به علاوه حرکتی به سر و تن می دهند که علامتی از اندوه بی‌پایان آنهاست و بیشتر به رقص شباهت داشت.»³⁸

وی نیز شاهد دسته‌هایی بوده است که بیرق و علم می‌کشاندند و شبیه بچه های امام حسین (ع) را درست می کردند. دلاواله معتقد است که مراسم عزاداری محرم شبیه عزاداری شهادت امام علی (ع) است ولی مراسم ماه محرم با شکوه تر برگزار می

شود اطلاعات او در این باب با اطلاعات فیگوئروا همخوانی دارد او می نویسد دسته های عزاداری با لحنی غم بار و سوگوار اشعاری در مدح امام حسین (ع) می خوانند و در آنها جزییات شهادت او را بیان می کنند در دسته گردانی روز عاشورا تعدادی شتر حامل کجاوه نیز راه می اندازند.

در این کجاوه ها سه یا چهار نوجوان به نشانه فرزندان حسین (ع) به هنگام اسارت می نشینند و اشعاری غم انگیز و حزن آور می خوانند در این جمع تابوت های پوشیده در مخمل سیاه به چشم می خورند. در این زمان عده ای از مردان با نوای هماهنگ طبل و سنج پای می کوبند و می چرخند و تابوت و سلاح ها را با احترام دنبال می کنند.³⁹ او در ادامه می گوید دسته گردان های ایام محرم در شهر به صورت دو دسته راه می افتند هر دسته از مردم یک قسمت عمده شهر را تشکیل می دهند بسیاری از بزرگان کشور نیز جزو این دسته هستند حتی خود شاه هم اگر در شهر باشد وارد یکی از این دسته جات می شود.

در پیشاپیش هر دسته عده ای دهنه تعدادی اسب مزین به تزیینات و سازو برگ های گران بها را می گیرند و می آورند بر روی اسب ها تعدادی سلاح های جنگی همچون تیر و کمان و شمشیر سپر قرار دارد و روی قریوس (کوهه زین) هم عمامه ای قرار می دهند که معرف مجموعه سلاح ها و عمامه ی امام است عده زیادی از نوحه خوان ها به همراه نوای طبل و سنج و نی تابوت ها را همراهی می کنند و بی وقفه خود را حرکت می دهند جست می زنند و با تمام قدرت فریاد می زنند.

افراد متشخص سوار بر اسب اند و جمعیت انبوهی پیاده به دنبال آنها می آیند دسته دور میدان می گردند و ابتدا در مقابل دروازه اصلی کاخ و سپس جلوی در بزرگ و اصلی مسجد توقف می کنند و در آنجا پس از خواندن دعا و نیایش متفرق می شوند.⁴⁰ از مطالعه سفرنامه ها و شرح نوشته این آثار بر می آید اگر چه در این دوره آیین عزاداری به مانند عصر قاجاریه تکامل نیافته بود اما سیر رو به رشد داشت.

آنچه کاملاً مشخص است حرکت آرامی است که رو به تکامل می رود. در ابتدا دسته-هایی بودند که از برابر تماشاچیان رد می شدند و با سینه زدن و زنجیر زدن و کوبیدن سنج و حمل علم و علامت و هماوازی و هم سرایی کربلا را یادآوری می کردند. تعزیه در این دوره واقعه خوانی بود و مانند نمایش های جمعی و همگانی اجرا می-شده. به شهادت سفرنامه ها، علما شرح واقعه را می گفتند و دسته هایی با اسب و تابوت خونین و کودکان خون آلود را حمل می کردند. همچنین ظاهراً یکی از سوگواری های نخستین عزای طفلان مسلم و حضرت علی اصغر بوده است. این دوره محملی است جهت به دست آوردن یک نوع نمایش سنتی به نام تعزیه. و تعزیه در ابتدا به معنی تام و کامل عزاداری برای امام حسین و شرح حکایت خون بار کربلا بوده است.

اجرای آیین سوگواری ماه محرم و ماه های دیگر عزاداری، یک اقدام جمعی بود که رقابتی را بین دسته جات مختلف برمی انگیزد. این رقابت، گاهی مسایل اقتصادی و مالی این نوع گردهمایی ها را حل می کرد. همکاری جمعیت در پرداخت وجوه مالی عزاداری ها قابل توجه بود. مبادلات متعدد عامه مردم در این مواقع در حد عالی بود و این امر به خصوص در مورد سردسته ها، که با جوهره مذهبی آمیخته شده بود، چشم-گیرتر بود. بعضی از این سردسته ها که از ثروتمندان و سرشناسان محلات محسوب می-شدند، برای تأمین وجوه مالی دسته ها، دکان هایی را وقف تکیه و حسینیه خود کرده بودند. از این ها گذشته، دسته جات به تمامی ساکنان محلات تعلق داشت و ساکنان جدای از حمیت مذهبی، خود را ملزم به تأمین امور مالی مراسم می دانستند و به قدر وسع خود بار مالی آن را متقبل می شدند.

گاهی کمک های دولتی هم به مدد کارگردانان این دسته جات می رسید. این که گفته-اند شاه گاهی از بعضی دسته جات حمایت می کرد، مسلماً این حمایت شامل کمک

های مالی نیز می شده است. تامین هزینه های بعضی از دسته جات را بلندپایگان حکومتی انجام می دادند.

نیت برپاکنندگان این نوع دسته جات، در کنار حس و حال و جوهره مذهبی، برای آن بود که بانیان خیر آنها نهایت تلاش خود را برای حفظ آبروی خود و محله شان بکنند. از این رو مردم محله با دادن پیشکش ها و هدایای نقدی و جنسی و یا به عاریت دادن بعضی از لوازم ضروری برای تزئین تکیه و دسته جات و نیز پذیرایی از فقیران و ناداران، در این نیت خیر مشارکتی درخور داشتند.⁴¹

در محلات شهرها، علاوه بر تکیه ها و حسینیه های ثابت، تکایای موقتی نیز راه اندازی می شده و آن را با برپایی چادر و خیمه و خرگاه به انجام می رساند. در منابع بارها به این نوع چادرها و خیمه ها اشاره شده که در محلات برای دسته روی های افراشته بودند. در این تکیه ها و حسینیه ها ساختن علم و کتل و تابوت و سازمان دادن به دسته ها و نیز قربانی کردن گاو و گوسفند و گاه شتر و غیره بوده که به تمامی از قبل کمک-های مردمی و افراد خیر و متمکن محلات تامین می شده است. اقدام این افراد خیر، در نظر قاطبه مردم، اقدامی از سر تقوا و دیانت محسوب می شد و ثواب نصیب آنها می ساخت. از این رو نذر و نیازهای مردمی در این نوع مواقع به اوج کمال خود می رسید. از این ها گذشته، دسته جات وسیله اظهار تجمل و نمایش شکوه و دارایی و ایمان هر محله به شمار می رفت. از این رو مردم محله در برپایی هرچه با شکوه تر آن سنگ تمام می گذاشتند.⁴²

یک نکته را نباید فراموش کرد و آن اینکه در دوران سلطنت صفویان مراسم عزاداری با نهایت شکوه روزافزون اجرا می شد و در این اجراها بسیاری از جنبه ها و وجوه مراسم عامیانه دیرینه ایران وارد آن شد که گاه نه ربطی به اعتقادات صفویان داشت و نه ربطی به اعتقادات شیعیان، این ها صرف نظر از جنبه های ایمانی و اعتقادی، برآمد و نتیجه سنت هایی بود که ریشه عمیق در تاریخ و جامعه ایران و ایرانیان داشت.

مراسم عزاداری عملی دسته جمعی بود، از این رو موجد نوعی افکار عمومی مذهبی در جامعه می شد. هر کس به قدر وسع خود در آن مشارکت داشت. حتی نوشته اند که اعیان و اشراف زادگان خردسال میان شرکت کنندگان، اعم از دارا و نادار، سقایی می کردند و به نشانه تشنگی شهیدان کربلا آب و شربت پخش می کردند. مشارکت در این عزاداری ها، فلاح و رستگاری به حساب می آمد، چون رنج و محنت و مصایب شهیدان کربلا موجبات رهایی این همه مؤمن را فراهم می کرد.

گفتنی است که در دوره صفویان روضه خوانی و دسته گردانی های ماه محرم همواره در دل هم اجرا می شد و رابطه ای تنگاتنگ با هم داشت. به ویژه روضه خوانی و بازنمایی وقایع کربلا به گونه ایستا و غیرمتحرک صورت می گرفت و در دسته گردانی ها هم نعش گردانی و غیره ایستا و بدون حرکات نمایشی انجام می شد، جز در مواقعی که تابوت را به بالا پرتاب می کردند و مردم و نگرندگان شور و حالی می یافتند. در اواخر دوره صفوی، این دو به تدریج حالت نمایشی پیدا کرد و در دوره زندیه به هم پیوست و شکل نمایشی کامل و یا تعزیه خوانی (شبهه خوانی) را فراز آورد و از همان طلیعه پیدایش تعزیه خوانی دو دسته نمایشی مخالف خوان ها (اشقیاخوان ها) و موافقخوان ها (امامخوان ها، اولیاخوانها) به ایفای نقش نمایش خویش پرداختند و تعزیه خوانی تا ورود «متن» به تعزیه به سوی تکامل نمایش گام برداشت.⁴³

- آدام اولناریوس A.orearus

یکی از سیاحان در (1637م/ 1047ق) وارد ایران شد آدام اولناریوس بود. وی اصلاً آلمانی بود و آثار ارجمندی در زمینه فرهنگی داشت. او به طور داوطلبانه شرکت در سفارت ایران را پذیرفت.⁴⁴ او منشی و وقایع نگار هیئت بروگمان سفیر هلشتاین و ریاضی دان دربار شاه صفی بود که طی اقامت یکساله در ایران به کمک یک ایرانی یهودی الاصل به نام حقوردی، گلستان سعدی را به زبان آلمانی ترجمه کرد و در

هامبورگ منتشر ساخت. حاصل سفر وی سفرنامه ای است که در آن نکات مهمی را در مورد فرهنگ ایرانی آورده است. او که در محرم در اردبیل بود گزارشی از سوگواری-ها، مرثیه خوانی ها و قمه زدن به دست می دهد.

او می نویسد که در اردبیل پس از طلوع آفتاب روز عاشورا، شمار زیادی از مردم در جلوی مزار شیخ صفی گرد می آیند و به تیغ زنی می پردازند بدین معنی که عده ای با چاقو، بازوهای خود را خراش می دهند و مجروح می کنند او معتقد است که ایرانیان این کار را به یادبود خونریزی و شهادت حسین (ع) و یاران او می کنند و معتقدند با خونی که از آنها جاری می شود گناهشان شسته می شود و کسانی که در روز عاشورا و روزهای دیگری که به مناسبت شهادت این بزرگان هست مثل روز شهادت امام علی (ع) و عید قربان بمیرند آمرزیده خواهند شد.⁴⁵

- انگلبرت کمپفر Engelbert kampher

او فرزند یک کشیش آلمانی بود. زمانی که به نوجوانی رسید به فرا گرفتن فلسفه تاریخ و زبان های قدیم جدید پرداخت و سپس به طب رو آورد. اطلاعات کمپفر درباره احوال دیوانی و نظامی و مالی دوره صفوی بی نظیر است.⁴⁶

در سال (1683م/ 1093ق) به همراه هیأتی برای انجام مطالعات علمی به ایران آمد. این سفر مدت دو سال طول کشید. طی این مدت، او در اصفهان، سیاست و تجارت و اوضاع اجتماعی ایرانی مطالعه کرد و رساله ای نوشت به نام یادداشت های توصیف اجمالی از گیاهان ایران.

علاوه بر این، سفرنامه وی شرح آداب و رسوم ایرانیان است و ضمن آن در بخش-هایی به آیین های ایرانی پرداخته و مراسم عاشورا را چنین توصیف می کند:

«ده روز نخستین ماه اول یعنی محرم را روزهای عزاداری می شمرند. زیرا در دهه محرم (سال 61 هجری/ 10 اکتبر 680 مسیحی) امام حسین (ع) پسر

علی (ع) به قتل رسید».⁴⁷

کمپفر همچنین اطلاعات فشرده ای از عزاداری در ایام ماه محرم ارایه می‌دهد اما اطلاعات او حاوی نکات تازه است. وی می‌نویسد

«ایرانیان قبل از ظهرها به میدان‌ها و معابر عمومی می‌آیند و با احترام به سخنان علما که روزانه یکی از فصول ده گانه کتاب روضه الشهداء را می‌خوانند گوش فرا می‌دهند».⁴⁸

فصل آخر این کتاب گزارش شرح شهادت حسین (ع) است. کمپفر اربعین حسینی را مراسم (سروتن) می‌نامد و می‌گوید ایرانیان (روز بیستم ماه دوم یعنی ماه صفر را وقف تجدید خاطره متصل شدن معجزه آمیز سر حضرت حسین (ع) به بدن او می‌دانند زیرا پس از اینکه سر حضرت به ضرب شمشیر از تن جدا شد چهل روز تمام دست نخورده و بدون اینکه طعمه حیوان وحشی شود در آن جا مانده و پس از آن در اثر معجزه ای به تن پیوسته شده است به هر حال اعتقاد و باور ایرانیان چنین است.⁴⁹ البته ما در اینجا نظرنویسنده سفرنامه را آورده ایم نظریه مورخین در این مورد با ایشان فرق دارد.

از اطلاعات به دست آمده در سفرنامه های ناظران در مراسم سوگواری ماه محرم پیداست که روضه خوانی در همه ایام محرم برگزار می‌شده و روضه‌خوان‌ها مصایب امام حسین (ع) و شهدای کربلا را از روی کتاب روضه‌الشهدای حسین واعظ کاشفی با آب و تاب می‌خواندند که معمولاً این کار در خاتمه عزاداری‌ها بوده است به ویژه در روز عاشورا با حضور شاه صورت می‌گرفت و علمای برجسته و مداحان برای برگزاری آن دعوت می‌شدند و در پایان روضه‌خوانی هم شاه به آن‌ها خلعت خاصی می‌بخشیده است و یا ادامه می‌دهد:

... ایرانیان ده روز اول ماه محرم را هر ساله به تجدید این واقعه جانسوز می‌گذرانند. قبل از ظهرها به میدان و معابر می‌آیند و با احترام تمام به سخنان ملاً که روزانه یکی از فصول ده گانه کتاب روضه‌الشهدا را می‌خواند گوش فرا می‌دهند.⁵⁰

پژوهش نامه تاریخ - سال چهارم - شماره شانزدهم

این عزاداری ده روزه به عاشورا ختم می‌شود و در این روز مردم به صورت دست جمعی تابوت امام مقتول را که سرپوش ندارد با جسد خون‌آلوده پسر بچه اش را حمل می‌کنند.

نتیجه:

براساس سنت الهی همه مردم دنیا فطرتاً عدالت‌جو هستند و با ظلم و ستم و بی عدالتی مخالفند از این قاعده کلی سفیران و سیاحان و سفرنامه نویسان دوره صفوی چنانچه از نوشته هایشان پیداست مستثنی نبوده و همه تحت تاثیر این واقعه قرار گرفته اند. چنانچه از گفتار ایشان به شکلی خلاصه شده نتیجه گیری شده است که به شرح ذیل می آید:

1- یزیدیان در روز عاشورا در یک نبرد نابرابر با حسینیان در قالب ظالم و مظلوم مصاف کردند و مردم نیز که نظاره‌گر این ستیز بودند با مظلوم اعلان هم‌دردی و بر علیه ظالم اظهار تنفر و انزجار نمودند.

2- اگرچه در تاریخ مبارزه بین حق و باطل زیاد رخ داده و با حق خواهان هم به بدترین شکل مقابله شده است ولی قیام امام حسین و انقلاب او به خاطر الهی بودنش بعد از هزار و اندی سال که از عمرش می‌گذرد هنوز حرارت آن در دل دوستانش زبانه می‌کشد.⁵¹

3- اجرای سوگواری و تعزیه نوعی هم‌دردی و همراهی با مظلوم بود که در دوره صفویان بیشترین تأثیر را در تهییج و تحریک مردم بر علیه ظالم یعنی همان‌هایی که به نحوی جانشینی ائمه اطهار را که بعد از پیامبر غصب کرده بودند در پی داشت. این نحو عزاداری ضمن اعتبار بخشیدن به شیعه سوگواری را به دو ماه محرم و صفر تعمیم بخشید.⁵²

4- اجرای سوگواری و تعزیه در مردم نوعی آرامش در دنیا و معرفت در آخرت و نهایت اخلاص و هم‌سویی با سالار شهیدان را به همراه داشت این نحوه عزاداری تا حدی مؤثر بود که حتی دشمنان را نیز به ماتم کشاند زیرا بنی‌امیه خود اولین کسانی بودند که پی به اشتباه خود بردند.

5- با طلوع دولت صفوی حضور اندیشه‌های ناب شیعی در جامعه ایران با عث تحول و پیشرفت و اعتبار شد که این مهم در راستای آرمان‌خواهی ایرانیان هم جهت بود که علاوه بر یکدلی، یکپارچگی و هماهنگی باعث ایجاد هوشیاری، بالندگی و هویت ملی در همه دولت‌های صفوی و در اوج آن زمان شاه عباس و ادامه آن تا امروز است.

6- یکی دیگر از جنبه‌های اجرای تعزیه در حادثه کربلا، بعد عاطفی آن است؛ چرا که در کربلا به دلیل وضعیت خونبار آن زخمی عمیق و پر دامنه بر قلب دوستان امام وارد شد. چون حادثه از هر جهت جدی و قابل ملاحظه بود، اثر روحی آن بلافاصله پدیدار شد. تواین نخستین گروهی بودند که تحت تأثیر این قضیه قرار گرفتند و چون خود را مقصر می‌دیدند، بدون آنکه اندیشه سیاسی روشنی داشته باشند خود را در معرض شهادت قرار دادند.⁵³

7- عاشورا مهمترین حادثه غمگینانه (تراژدی) به شمار می‌آید که این حرکت الهی همراه با گریه برای امام و رفتن به زیارت مرقد امام حسین (ع) پاداش فزون از حد داشت. این بعد عاطفی توسعه بیشتری یافت و ایام وفات سایر امامان نیز به عنوان ایام عزای مطرح شد و به طور غیر مستقیم خاطره یک حادثه را زنده نگه داشت و به صورت یک الگوی قابل تکرار، ارزش کلی یک اقدام ضد ظلم را در قالب تعزیه و عزای پدیدار ساخت که بعدها این روضه و سوگواری برای تمام اهل بیت (ع) تسری پیدا کرد.⁵⁴

8- عزاداری و سوگواری بر امام حسین از جمله اصول اخلاقی و عرفانی بود که گاهاً جنبه سیاسی نیز هم داشت گاهی از آن برای جهاد با دشمن خارجی به شکل پیکاری مقدس مطرح بود⁵⁵ و گاهی هم به معنای جهاد با نفس که پیامبر به آن جهاد با دشمن درون و جهاد اکبر مطرح کرده بودند منظور می‌شد علاوه بر آن مسایل مربوط به امر به معروف و نهی از منکر و تأسی بر آیه شریفه «اطيعوا له و اطيعوا الرسول و اولی الامر امرمنکم» (سوره نساء آیه 59) و درس‌های اخلاق دیگری در راستای مبارزه با ظالم و ستمگر که جزء ارزش‌های مهم اعتقادی شیعیان بود از دیگر مطالب اصلی حضور در این مجالس است.⁵⁶

یادداشت‌ها:

1 طاهری، ابوالقاسم، تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از مرگ تیمور تا مرگ شاه عباس، تهران، انتشارات علمی و

فرهنگی، سال 1383 ص 151

2 بیضایی، بهرام، نمایش در ایران، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، سال 1385، ص 114

3 سیوری، راجر، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، نشر تهران مرکز، سال 1374، ص 26

4 جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران، تهران، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، سال 1377، ص 36

5 بیضایی، بهرام، همان.

6 همان

7 آژند، یعقوب، نمایش در دوره صفوی، تهران، انتشارات ارشاد اسلامی، سال 1385، ص 27

8 دینوری ، ابو حنیفه احمد بن داوود ، اخبار الطوال ، ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغانی ، تهران ، نشر نی ،
سال 1384 ، ص 296

9 ابن اثیر، عزالدین ، تاریخ کامل ، ترجمه دکتر سید حسن روحانی ، انتشارات اساطیر ،
جلد پنجم ، سال 1354 ، ص 2258

10 فقیهی ، علی اصغر ، تاریخ آل بویه ، تهران ، انتشارات سمت ، سال 1386 ،
ص 30

11 دایره المعارف شیعه ، مدخل تعزیه ، انتشارات شهید سعید محبی ، جلد چهارم ،
سال 1381 ، ص 440

12 بلوکباشی ، علی ، تعزیه خوانی حدیث قدسی مصائب در نمایش آیینی ،
امیرکبیر ، سال 1383 ، ص 145

13 آژند ، یعقوب ، همان ، ص 19

14 دایره المعارف شیعه ، مدخل تعزیه ، همان

15 آژند ، یعقوب ، همان منبع

16 بلوکباشی، علی، همان منبع، ص 147

17 همان

18 بیضایی، بهرام، همان، ص 30

19 ستاری، جلال، زمینه اجتماعی تعزیه و تئاتر در ایران، تهران، نشر مرکز، سال 1387، ص 112

20 بلوکباشی، علی، همان، ص 30

21 جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، قم، موسسه انصاریان با همکاری دفتر تحقیقات و تدوین متون درسی وابسته به مرکز جهانی علوم اسلامی، سال 1376، ص 225

22 دایره المعارف شیعه، مدخل تعزیه، همان، ص 442

23 سیوری، راجر، همان، ص 2

24 همان

25 طاهری، ابوالقاسم، همان، ص 180

26 سیوری، راجر، همان، ص 80

27 جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، قم، موسسه انصاریان با همکاری دفتر تحقیقات و تدوین متون درسی وابسته به مرکز هانی علوم اسلامی، سال 1376، ص 227

28 طاهری، ابوالقاسم، همان، ص 37

29 بنانی، امین؛ دران، دارلی؛ سیوری، دوبروین؛ نیومن، لکهارت؛ ولش، کری؛ صفویان، ترجمه یعقوب آژند، انتشارات مولا، سال 1380، ص 16

30 فیگوئروا، دون گارسیا دسیلوا، سفرنامه دون گارسیا دسیلوا فیگوئروا، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران، نشر نو، سال 1363، ص 207

31 همان، ص 211

32 کاتف، فدت آفاناسویچ، سفرنامه کاتف، ترجمه محمد صادق همایون فرد، انتشارات کتابخانه ملی، سال 1356، ص 81

33 فریر، رانلد دلبیو، برگزیده سفرنامه شاردن، ترجمه حسین هژیریان و حسن اسدی، چاپ دوم، نشر و پژوهش، سال 1384، ص 214

34 آژند، یعقوب، همان ، ص 57

35 بیضایی، بهرام، همان ، ص 116

36 تاورنیه، سفرنامه تاورنیه ، ترجمه ابوتراب نوری ،تهران ، انتشارات سنایی ، سال
1369 ، ص 336

37 بنانی ، امین؛ دران ،دارلی؛ سیوری، دوبروین؛ نیومن ، لکهارت؛ ولش، کری ، همان
ص 16،

38 دلاواله، پیترو، سفرنامه پیترو دلاواله ، ترجمه شجاع الدین شفا ، تهران ، چاپ و
نشر کتاب ، سال 1348، ص 124

39 همان ، ص 561

40 همان ، ص 521

41 آژند، یعقوب، همان ، ص 85

42 همان ، ص 86

43 همان ، ص 87

44 بنانی، امین؛ دران، دارلی؛ سیوری، دوبروین؛ نیومن، لکهارت؛ ولش، کری؛
همان، ص 16

45 آژند، یعقوب، همان، ص 53

46 بنانی، امین؛ دران، دارلی؛ سیوری، دوبروین؛ نیومن، لکهارت؛ ولش، کری؛
همان، ص 17

47 کمپفر، سفرنامه کمپفر، ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران، خوارزمی، سال
1363¹⁰، ص 179

48 همان، ص 180

49 همان، ص 181

50 همان

51 مطهری، مرتضی، نبرد حق و باطل به ضمیمه تکامل اجتماعی انسان در تاریخ،
تهران، انتشارات صدرا، سال 1384، ص 13

- 52 بلوکباشی، علی، همان، ص 24
- 53 جعفریان، رسول، همان، ص 231
- 54 همان، ص 232
- 55 مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، تهران، انتشارات صدرا، سال 1378،
ص 195
- 56 فوران، جان، تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، تهران،
موسسه رسا، سال 1380، ص 83

منابع و مأخذ

کتاب ها:

- 1- ابن اثیر ،عزالدین ، تاریخ کامل ، ترجمه دکتر سید حسن روحانی ،تهران ، انتشارات اساطیر ، جلد پنجم ، سال 1354.
- 2- آژند، یعقوب، نمایش در دوره صفوی،تهران ، انتشارات ارشاداسلامی، سال 1385.
- 3- بلوکباشی ، علی ، تعزیه خوانی حدیث قدسی مصایب در نمایش آیینی ،تهران ، انتشارات امیرکبیر، سال 1383 .
- 4- بنانی، امین ؛ دران، دارلی ؛دوبروین ، سیوری؛ لکههارت ،نیومن ؛ ولش ،کری ؛ صفویان ،تهران ، ترجمه تدوین یعقوب آژند ، انتشارات مولا ، سال 1380.
- 5- بیضایی، بهرام ، نمایش در ایران، تهران ،بی نا، سال 1376.
- 6- جعفریان، رسول ، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه ، قم ، موسسه انصاریان با همکاری دفتر تحقیقات و تدوین متون درسی وابسته به مرکز جهانی علوم اسلامی ،سال 1376.
- 7- جعفریان ، رسول ، تاریخ تشیع در ایران ، تهران ، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی ،سال 1377 .
- 8- دایره المعارف شیعه ، مدخل تعزیه ،تهران ، انتشارات شهید سعید محبی ، جلد چهارم ، سال 1381
- 9- ابو حنیفه احمد بن داوود دینوری، اخبار الطوال ، ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغانی ،تهران ، نشر نی ، سال 1384 .

- 10- ستاری، جلال، زمینه اجتماعی تعزیه و تئاتر در ایران، تهران، نشر مرکز، سال 1387.
- 11- سیوری، راجر، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز، سال 1374.
- 12- طاهری، ابوالقاسم، تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از مرگ تیمور تا مرگ شاه عباس، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، سال 1383.
- 13- فریر، راندل دلیو، برگزیده سفرنامه شاردن، ترجمه حسین هژیریان و حسن اسدی، چاپ دوم، تهران، نشر و پژوهش، سال 1384.
- 14- فقیهی، علی اصغر، تاریخ آل بویه، تهران، انتشارات سمت، سال 1386.
- 15- فوران، جان، تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمدتدین، تهران، موسسه رسا، سال 1380.
- 16- مطهری، مرتضی، نبرد حق و باطل به ضمیمه تکامل اجتماعی انسان در تاریخ، تهران، صدرا، سال 1384.
- 17- مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، تهران، انتشارات صدرا، سال 1378.

سفرنامه ها:

- 19- اولئاریوس، آدام، سفرنامه اولئاریوس، ترجمه حسین کردبچه، تهران، چاپ بهمن سال 1369.
- 20- تاورنیه، ژان باتیست، سفرنامه تاورنیه، ترجمه. ابوتراب نوری، تهران، ج 3، کتابخانه سنایی، سال 1369.
- 21- دلاواله، پیتر، سفرنامه، ترجمه شجاع الدین شفا(بخش مربوط به ایران)، تهران، بنگاه ترجمه و چاپ و نشر کتاب، سال 1348.
- 22- شاردن، ژان، سیاحت نامه ترجمه محمدعباسی، تهران، امیرکبیر، سال 1349.
- 23- کاتف، فدت آفاناسویچ، سفرنامه کاتف، ترجمه محمدصادق همایون فرد، تهران، کتابخانه ملی، سال 1356.
- 24- کمپفر، انگلبرت، سفرنامه کمپفر، ترجمه کیکاووس جهان داری، تهران، خوازمی، سال 1363.
- 25- فیگوئروا، دن گارسیادسیلوا، سفرنامه، ترجمه غلام رضا سمیعی، تهران، نشر نو، سال 1363.